

Representation of urban space and architecture in Qajar women's written memories

Elnaz Amirzadehdana*

Maryam Armaghan**

Abstract

The first biography and written memoirs of Iranian women go back to the Qajar period. But so far, no research has been done on the content of these travelogues and the view of Qajar women is limited, general and sometimes exaggerated. This is while the view from the background of the travelogue and biography is real and reflects the reality of its time. The purpose of this research is to understand the view of Qajar women from the space and to read their experienced spaces in the context of patriarchal culture. The main question of the research is that the architectural and city spaces are represented in the travelogues of Qajar era women, and what was the understanding of travel and new places by women travelogues of the Qajar era while respecting gender segregation? To answer this question, the Hajj travelogues of Farhad Mirza's daughter (1297 AH), the Hajj travelogue of Imad al-Mulk's wife (1303 AH), the travelogue of Aaliya Khanum Shirazi (1309 AH), the travelogue of Waqar al-Doleh (1317 AH) and Bibi Khavar Shadlou's travelogue (1319 AH), which were all written during the Qajar era, is selected and through their texts, how to describe and represent the city and architectural space is discussed. The approach of historical-interpretive research and the method of collecting documentary and library data and the research method is thematic analysis and the results show that the representation of the city and architecture in the travelogues of Qajar women includes a range of visual qualities to mental characteristics and the

* PhD. student of Architecture, Department of Architecture, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran (Corresponding Author), elnazamirzade083@gmail.com

** Assistant Professor, Department of Architecture, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran, armaghan@qiau.ac.ir

Date received: 11/09/2022, Date of acceptance: 23/01/2023



Abstract 2

character of the narrator, in The quality and type of reading and description of the characteristics of the place is effective and despite the obstacles faced by these women, they describe the details of the places as much as possible, which is worthy of consideration regarding the description of urban spaces, their attention to the grandeur of buildings, prosperity and crowding.

Keywords: Architectural space, City space, Travelogue, Qajar women.



بازنمایی فضای شهر و معماری در خاطرات زنان قاجار

الناز امیرزاده دانا*

مریم ارمغان**

چکیده

اولین شرح حال و خاطرات مکتوب زنان ایران، به زمان قاجار بازمی‌گردد. ولی تاکنون پژوهشی درباره محتوای این سفرنامه‌ها صورت نپذیرفته و نگاه به زنان قاجار محدود، کلی و گاهی اغراق‌آمیز است. این درحالی است که نگاه از بستر سفرنامه و شرح حال، حقیقی و مبین واقعیت زمان خویش است. هدف این پژوهش، شناخت نگاه زنان قاجار از فضا و خوانش فضاهای تجربه شده آنها در بستر فرهنگ مردسالار است. پرسش اصلی پژوهش آن است که فضاهای معماری و شهر در سفرنامه‌ها زنان عصر قاجار از چه جنبه‌هایی بازنمایی شده است و درک زنان سفرنامه‌نویس عصر قاجار از سفر و مکان‌های جدید در عین رعایت تفکیک جنسیتی چه بوده است؟ برای پاسخ به این پرسش، سفرنامه‌های حج دختر فرهاد میرزا (۱۲۹۷.ق.)، سفرنامه حج همسر عمادالملک (۱۳۰۳.ق.)، سفرنامه عالیه خانم شیرازی (۱۳۰۹.ق.)، سفرنامه وقارالدوله (۱۳۱۷.ق.) و سفرنامه بی بی خاور شادلو (۱۳۱۹.ق.)، که همگی در زمان قاجار به نگارش در آمده‌اند را انتخاب نموده و از خلال متون آنها به چگونگی شرح و بازنمایی فضای شهر و فضای معماری، پرداخته می‌شود. رویکرد پژوهش تاریخی-تفسیری و شیوه‌ی گردآوری داده‌ها، اسنادی و کتابخانه‌ای و روش تحقیق، تحلیل مضمون است و نتایج بیانگر آن است که بازنمایی شهر و معماری در سفرنامه‌های زنان قاجار، طیفی از کیفیات بصری تا ویژگی‌های ذهنی را در برمی‌گیرد و شخصیت راوی، در کیفیت و نوع خوانش و شرح ویژگی مکان موثر است و با وجود موانع پیش روی این زنان، آنها تا حد ممکن به شرح جزئیات

* دانشجوی دکتری تخصصی معماری، گروه معماری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران (نویسندهٔ مسئول)، elnazamirzade083@gmail.com

** استادیار، گروه معماری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران، armaghan@qiau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۳



مکان‌ها می‌پردازند، که این در خصوص شرح فضاهای شهری، توجه آنها به عظمت بناها، آبادانی و ازدحام جمعیت قابل تامل است.

کلیدواژه‌ها: فضای معماری، فضای شهر، سفرنامه، زنان قاجار.

۱. مقدمه و بیان مسئله

حضور در شهر و معماری، شناخت و درک فضا را به همراه دارد و تجربه آن، باعث تعریف فضا و شکل‌گیری حس مکان شده و دل بستگی به مکان، ارمغان هویت یافتن مکان است. این تجربه یا تصویر شهر در ذهن انسان، حاوی معانی و خاطرات است، که می‌تواند در هنرهای دیگر مانند نقاشی، ادبیات، سینما، بازنمود یابد. بنابراین، با خوانش خاطرات و سفرنامه‌ها می‌توان به بازنمایی و شناخت فضای شهر و معماری دست یافت. از سویی انسان‌ها بر اساس پیشینه و تجربیاتشان نگاه‌های متفاوتی به فضا دارند و جامعه و شرایط حاکم بر آن، بر افراد، گروه‌ها و ذهنیاتشان موثر است. دوران قاجار، به شهادت تاریخ، به عنوان دوران گذار از تاریکی، برای زنان، دارای اهمیت است و اطلاعات مکتوب اندکی از وضعیت زنان قبل از مشروطه در دست است، مگر نوشته سیاحان که همواره حس کنجکاوی نسبت به شرق، ایران و زنان داشته‌اند و همین کنجکاوی سبب پرسشگری در ذهن‌شان و بازتاب آن در سفرنامه‌های‌شان گردیده است. و همواره سوال اساسی برای آنان چهره و زندگی زنان بوده است.

سفر سیاحان و انتقال اندیشه آنان، برقراری روابط با کشورهای پیشرفته، نگارش و چاپ کتاب‌های متعدد، رفت و آمد زنان اشراف و خانواده‌های درباری با زنان سفراء، نوشته اندیشمندان و روشنفکران و گشایش مدارس میسیونری فرهنگی باعث آگاهی زنان و تلاش آنها برای رسیدن به خواسته‌های به حق خود گردید. بنابراین پنجره‌ای به سوی زنان باز شده و رفته‌رفته حضور آنها در شهر قوت گرفت. یکی از این فعالیت‌ها که به آگاهی زنان و گشایش فضای اجتماعی برای آنان یاری رساند، نگارش زنان است. دست نوشته‌های زنان در دوران قاجار؛ که جز اولین آثار نوشتاری زنان ایران است، حاوی مطالبی است که، بیانگر واقعیات و اتفاقات زمان خویش است و می‌تواند بازگو کننده نگاه زنانی باشد، که با وجود استبداد تاریخی و فرهنگ مرد سالار، توانسته بازنمودی از شهر و معماری را در آثار خود بر جای بگذارند. هدف این پژوهش، شناخت نگاه زنان قاجار از فضا و خوانش فضاهای تجربه شده آنها در بستر فرهنگ مردسالار است. برای این منظور ابتدا به زنان قاجار و بستر تاریخی آن دوران

بازنمایی فضای شهر و معماری در خاطرات ... (الناز امیرزاده دانا و مریم ارمغان) ۵

توجه شده و با شناخت جایگاه زنان در دوره قاجار، به تحلیل و تفسیر آثار برجای مانده از آن‌ها به خوانش شهر و معماری پرداخته می‌شود. فرض است، به دلیل مهجوریت زنان، نگاه آنها به شهر کم‌رنگ و آنها بیشتر به فضاهای داخلی اهمیت می‌دانند. و در راستای فرض مسیله این سوالات مطرح می‌گردد که زنان از پس روبنده چگونه فضا را معنی و تجربه می‌کردند؟ درک زنان سفرنامه‌نویس عصر قاجار از سفر و مکان‌های جدید در عین رعایت تفکیک جنسیتی چه بوده است؟

۲. پیشینه و ادبیات پژوهش

در حوزه مطالعات زنان قاجار، رساله محقق نیشابوری (۲۰۲۰) به بررسی ریشه‌های مقاومت در زندگی روزمره زنان قاجار از خلال سفرنامه‌های زنان قاجار با رویکرد معرفت‌شناسی فمینیستی پرداخته است و به این نتیجه رسیده که سفرنامه‌های حج به نوعی مقاومت زنان در برابر استبداد تاریخی بوده است. شریفی ساعی و آزاد ارمکی (۱۴۰۰) در پژوهش خود، به مطالعه وضعیت اجتماعی زنان در عصر قاجار پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که تاریخ جامعه قاجار، روایت یک پدرسالاری تمام عیار است و اتحادیه (۱۳۷۰) به مشکلات تاریخ نگاری زنان و بررسی جایگاه اجتماعی زنان قاجار از خلال اسناد تاریخی، پرداخته است. دلریش (۱۳۷۶) به بررسی نقش زنان در عرصه‌های مختلف به خصوص زمینه‌های سیاسی از زمان قاجار تا انقلاب اسلامی نظر کرده است. طبق بررسی صورت گرفته در پیشینه موجود، تاکنون پژوهشی در باب نگاه زنان قاجار به زندگی و فضای شهر و معماری صورت پذیرفته است و نگاه به آن دوران به صورت کلی و گاهی اغراق‌آمیز است. در صورتی که نگاه از پس خاطرات واقعی و بیان‌گر حقیقت است. بنابراین در این پژوهش، با شناخت زنان قاجار، به خوانش شهر و معماری از نگاه آنان پرداخته می‌شود.

۱.۲ زنان در عصر قاجار

ایران در قرن نوزدهم در زمینه‌های مختلف، بستر پدرسالاری بود که بارزترین دسته بندی آن در خانه؛ پدر سالاری خانوادگی و در جامعه؛ پدرسالاری اجتماعی است که عرصه را در هر زمینه برای زنان تنگ می‌کرد (شریفی ساعی و ارمکی، به نقل از اسمیت، ۱۴۰۰: ۱۰۵-۱۰۶).

زنان نه دیده، نه حتی نامشان شنیده می‌شد و هویتشان مغفول و پنهان بود. آنها را معمولاً با واژگان کلی مانند ضعیفه، حاج خانم مورد خطاب قرار داده و یا با نام شوهرانشان صدا می‌زدند و از آوردن نام واقعیشان تا حد امکان پرهیز می‌شد (اتحادیه، ۱۳۷۳: ۳۵). نداشتن نام نویسنده مشخص، در سفرنامه‌ها و اینکه خود را با نسب پدر یا همسر معرفی می‌نمایند مبین این ماجراست. تقسیم وظایف نیز بر اصل جنسینی استوار بود، نقش مردان فرهنگی و واجد ارزش و کارشان با مزد، نقش زنان به دلیل طبیعتشان طبیعی و محدود به خانه و کارهای خانگی بدون مزد برای زنان بود (زاهد و خواجه نوری، ۱۳۸۲: ۵۹) (فصیحی، ۱۳۸۹: ۱۱۹).

اصل غالب چه در خانه و چه در جامعه، تفکیک جنسیتی مبتنی بر اصل جدایی مردان و زنان استوار بود و آنها حق نداشتند با یکدیگر ارتباط بگیرند و تمام فضاها و مکان‌های احتمالی برای ارتباط با جنس مخالف بسته و کور می‌شد بنابراین زنان در خانه پشت پرده و در جامعه پشت روبنده پنهان بودند. اولیویه در کتاب خاطراتش عنوان می‌نماید، مردان فقط با مردان و زنان با زنان حق ارتباط داشتند (شریفی ساعی و ارمکی، ۱۴۰۰: ۱۰۵-۱۰۶)

خانواده قاجاری یک نهاد پویا، متشکل از خانواده‌ای بزرگ که در زمان‌های مختلف سال با فعالیت‌های متفاوتی مشغول بودند، ساختار و کارکرد خانه و خانواده به ترتیب اولویت، با اعمال مذهبی، نظام خانواده ایرانی و شغل سرپرست خانواده تعریف و تجویز می‌شد. زنان علاوه بر وظایف مادری، نقش مهمی در حفظ سنت‌ها و آداب و رسوم مربوط به مراسم آیینی، اعم از دنیوی و مذهبی داشتند، در خانواده‌های معمولی زنان علاوه بر پرورش کودکان و خانه‌داری بر مبنای محل سکونتشان در شهر و روستا وظایف مختلفی بر عهده می‌گرفتند (Mahdavi, 2012: 21-48). زنان درباری و اشراف با وجود خیل خدمتکاران جز نظارت بر آنها، دیدو بازدید وظیفه‌ای نداشتند. به گفته سیاحان، زنان در حرمسراها خیلی بیکار بودند و این یکی از دلایل فساد در حرمسراها بود چون جز لذت بخش بودن برای مردان، هیچ تصویری از خود نداشتند (هانریش، ۱۳۷۵: ۳۵-۳۶).

علاوه بر ازدواج دائم و ازدواج موقت، به واسطه جنگ‌ها یا تجارت، خرید کنیز رواج داشت و این طرق سه گانه ازدواج، منجر به پیدایش حرمسراها کوچک و بزرگی می‌شد، که اغلب متعلق به اشراف و بزرگان بود، در عین حال در روستاها نیز به منظور دسترسی به نیروی کار ارزان، تعدد زوجات رواج داشت. عدم تناسب جمعیتی، کثرت زنان بر مردان، بیماری یا پیرشدن سریع زنان به خاطر زایمان‌های مکرر و فقدان بهداشت، مصالح سیاسی و قومی، میل مردان ثروتمند و متمول به کامجویی، داشتن حرمسرا و زنان متعدد نشانگر شوکت و ثروت مرد

و ازدواج موقت خود به خود نظام چند زنی را توجیه می‌کرد افزون بر این تفاخر به فرزندان بسیاری که از این ازدواج‌ها متولد می‌شدند و از سوی دیگر شرایط سخت برای دختران جامانده از ازدواج و بیوه‌ها، باعث تمایل آنها به ازدواج با مردان دارای همسر بود (دلریش، ۱۳۷۵: ۲۳).

۲.۲ زنان و ساختار اجتماع

تفکیک زنان از مردان، از خانه و تعریف اندرونی و بیرونی آغاز تا جامعه ادامه می‌یافت. در شهرها زنان و مردان حتی محارم، حق عبور از خیابان را با هم نداشتند، مردان جلوتر از زنان حرکت کرده و خیابان‌های شلوغ تهران تفکیک جنسیتی شده بود (شریفی‌ساعی و آزادارمکی، ۱۴۰۰: ۱۰۷) در این فضا، هیچ زنی در مکان‌های عمومی حق تفریح نداشت و تفریحات زنانه در اندرونی به قلیان کشیدن دیدو بازدید و در بیرون، به حمام رفتن و زیارت خلاصه می‌شد (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۵۷)، مردان و زنان سرگرمی‌های مشترکی مانند تعزیه یا تئاتر غیرمذهبی داشتند، اما در آن مواقع، بسته به مکان (چه عمومی یا خصوصی)، زنان یا در مکان‌های خاص می‌نشستند یا از پنجره‌ها یا از پشت پرده‌ها تماشا می‌کردند (Mahdavi, 2007: 492).

کارکردن زنان، نشانه احتیاج و فقر بود و کلفت و کنیز داشتن زنان ثروتمند، نه به منظور فراغت برای کسب و تحصیل بلکه برای لذت و تفریح بود و طبق گفته مادام دیولافوا کارکردن زنان غربی را به گونه‌ای از سر ناچاری می‌دانستند (شریفی‌ساعی و آزادارمکی، ۱۴۰۰: ۱۱۴). از لحاظ آموزش، فرصت‌های تحصیلی برای زنان به شدت محدود بوده است، یکی از منابع نشان می‌دهد که تا سال ۱۳۰۴ تنها ۳ درصد کل زنان ایرانی باسواد بودند. باور عمومی، سواد آموزی زنان را مخالف نص صریح اسلام و خطری برای جامعه قلمداد می‌نمود، عده‌ای نیز معتقد بودند مغز زنان ظرفیت و استعداد جذب دانش را ندارد. باسواد بودن زنان چنان ننگی محسوب می‌شد که بسیاری باسواد زنان را پنهان می‌کردند و آن‌را عامل گسترش فساد می‌دانستند و بر این باور بودند که، معلومات زنان در حد وظایف خانگی کفایت می‌کند و زنان باید در سنین پایین حتی قبل از رسیدن به سن بلوغ ازدواج کنند (شریفی‌ساعی و آزادارمکی، ۱۴۰۰: ۱۱۲). در شرح پوشش، همین جمله از سیاحی اروپایی کفایت میکند: «من در دوره اقامت در ایران، زن ندیدم. گاهی آن‌هم به ندرت در کوچه و بازار اجسام متحرک می‌دیدم که در پارچه سیاه پوشیده شده بودند و می‌گفتند اینها زن‌های ایرانی هستند» (ملک‌زاده، ۱۳۸۳: ۷۶).

۳.۲ تجربه فضایی

تجربه در فضا منبعث از مشاهده و حضور در فضا می‌باشد (لطیفی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۷۹). مهمترین ویژگی معماری ایرانی ویژگی بصری آن است و تصور ایرانیان کهن از فضای معمارانه ماهیتی مکانی- زمانی داشته و آنچه امروزه به فضای برون و درون اطلاق می‌شود تصویری تازه از فضاست (حائری، ۱۳۸۸: ۱۴۴). به اعتقاد کالن مشاهدات بصری، مکان و محتوای آن، عناصر تجربه مکانی هستند که لزوماً زمانمند و خاطره مدار است (شاهچراغی و بندرآباد، ۱۳۹۹: ۲۶۷) و فرد و تجاربتش در این پروسه نقش اساسی ایفا می‌کند. فرد پس از ورود به بنا و واقع شدن در حالات فضا، ویژگیهای حسی بتدریج در او عارض گشته و این تا بدان جا پیش می‌رود که حس تازه ای در فرد حادث می‌گردد، حسی متفاوت از آنچه در صندوق خاطره وجود داشته یا آن قدر قوی که تداعی هیجان انگیز خاطره‌ای باشد (حائری، ۱۳۸۸: ۴۱). درحقیقت انسان از فضا تاثیر پذیرفته و برآن تاثیر می‌گذارد و آفرینش معنا و به واقع معنادار شدن عناصر فضا، ماحصل حرکت و تجربه نمودن فضاست (فکوهی، ۱۳۸۳، ۳). به طور کلی، فضا؛ نه فقط شکل و عملکرد، همراه با رویداد و فعالیت، مولفه‌های تجربه فضایی را می‌سازند (Tschumi, 2012, 66). بنابراین تجربه فضایی بر دو بعد حسی و حرکتی استوار است به طوریکه آگاهی و عمل بصورت تجربه پیوسته و منسجم آشکار می‌گردد (موسویان و دیگران، ۱۳۹۸: ۶۲).

۳. روش پژوهش

این پژوهش یک بررسی توصیفی تحلیلی است، که با رجوع به متن سفرنامه‌ها و خاطرات و تحلیل مضمون آن‌ها، چگونگی بازنمایی شهر و معماری، از نگاه نویسنده اثر، توصیف و تحلیل می‌گردد. روش تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است که با آن فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی به وجود آمده و داده‌های متنوع و پراکنده را به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌نماید (Braun & Clarke, 2006, 80).

تحلیل مضمون یکی از فنون تحلیل مناسب در تحقیقات کیفی است، که با این روش می‌توان، به خوبی اطلاعات موجود در داده‌های کیفی را شناسایی نموده و آن را تجزیه و تحلیل نمود و در نهایت با بررسی الگوهای متعدد، مهمترین نکات مطرح در داده‌های کیفی را به صورت کمی تصویرسازی نمود. تحلیل قالب مضامین و تحلیل شبکه مضامین از جمله فنون و تکنیک‌هایی هستند که معمولاً در روش تحلیل مضمون، به کار می‌روند. قالب مضامین،

بازنمایی فضای شهر و معماری در خاطرات ... (الناز امیرزاده دانا و مریم ارمغان) ۹

فهرستی از مضامین را به صورت سلسله مراتبی نشان می‌دهد شبکه مضامین نیز ارتباط میان مضامین را در نگاره‌هایی شبیه تارنما نشان می‌دهد (عابد جعفری و دیگران، ۱۳۹۰، ۱۵۱).

روش تحلیل مضمون از سه مرحله کلان برخوردار است، تجزیه، توصیف متن، تشریح و تفسیر متن، ترکیب و ادغام متن که با توجه به این سه گام، اقداماتی همچون آشنا شدن با متن، ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری، جست و جو و شناخت مضامین، ترسیم شبکه مضامین و تحلیل شبکه مضامین و تدوین گزارش صورت می‌پذیرد (عترت دوست و دیگران، ۱۳۹۸، ۱۶۵).

بنابراین سفرنامه حج دختر فرهاد میرزا، سفرنامه حج همسر عمادالملک، سفرنامه حج بی‌بی خانم علویه کرمانی، سفرنامه حج وقار الدوله و سفرنامه بی‌بی خاور شادلو، که همگی در دوره قاجار به نگارش درآمده و از اولین دست نوشته‌های زنان می‌باشد را برگزیده، با توجه به هدف پژوهش، مورد خوانش و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۴. معرفی آثار

۱.۴ سفرنامه حج مه‌ماه خانم عصمت السلطنه^۱ (۱۲۹۷ ه.ق.)

اولین سفرنامه نگارش یافته، از زنان قاجار، متعلق به دختر بزرگ شاهزاده فرهاد میرزا، عموی پدری ناصرالدین شاه است. نامش مه‌ماه خانوم عصمت السلطنه؛ اگرچه در سفرنامه، نامی از او ذکر نشده است و فقط نسبش عنوان گردیده است. او در ۲۴ رمضان ۱۲۹۷ ه.ق. با همراهی تعدادی دیگر از بانوان دربار، از تهران سفر خود را به مکه آغاز می‌کند: «روزنامه سفر بیت الله الحرام است که به یاری حضرت قادر متعال، به شرط سلامت مزاج می‌نویسم» (عصمت السلطنه، ۱۳۷۵: ۵۹). او ابتدا به همدان رفته و از آنجا عازم عراق می‌گردد و بعد از رسیدن به مکه در راه بازگشت، از مدینه به جده می‌رسد و از طریق کشتی به بوشهر رسیده و عازم تهران می‌گردد.

۲.۴ سفرنامه عالیه خانم شیرازی^۲ (۱۳۰۹ ه.ق. - ۱۳۱۲ ه.ق.)

دومین سفرنامه نوشته عالیه شیرازی، ساکن کرمان است. موقعیت اجتماعی و حتی نام او مشخص نیست ولی با توجه به سواد و اقامتش در دربار ناصری می‌توان او را در ارتباط با حاکمان کرمان نامید (2020, 110 Neyshabouri Mohaghegh). سفر او از کرمان به سال ۱۳۰۹ ه.ق.

همراه با خان و بانوی محترمی که ظاهراً همسر خان است، آغاز می‌شود، از راه دریا به هند می‌رود. پس از رسیدن به جده و رفتن به مکه و انجام زیارت، از راه زمینی به عتبات عالیات رفته و در راه بازگشت به ایران، با توجه به تمام شدن مالش، به تهران می‌رود و قبل از بازگشت به کرمان، چند ماه در آنجا می‌ماند. شرح زندگی و اقامت او در دربار ناصری ابعاد پنهانی از زندگی زنان ناصری را آشکار نموده و در این حوزه واجد ارزش است.

۳.۴ سفرنامه وقارالدوله به حج^۳ (۱۳۱۷.ق.)

سکینه سلطان اصفهانی، کوچک نام داشت، اما مظفرالدین شاه، لقب وقارالدوله را به او داد. چند سال پس از مرگ شاه، وقار با میرزا اسماعیل خان معتصم الملک وزیر دارایی استان لرستان ازدواج کرد. او با برادرش، چهار سال بعد از فوت شاه عازم سفر حج می‌شود، از ویژگی‌های این خانم اطلاع زیادی در دست نیست. وی حتی زمانی که شرایط دشواری داشته، مدام در پی فرصتی بوده تا نگارش این روزنامه را ادامه بدهد. سکینه سلطان در مسیر این سفر، ابتدا به عراق برای زیارت مراقد مقدس در کاظمین، نجف و کربلا رفته و سپس از راه حلب، راهی اسکندریه شده و در آنجا با کشتی عازم جده و سپس به مکه می‌رود و بعد نیز راهی مدینه می‌شود. او هنگام بازگشت به خانه راه زمینی را انتخاب نموده و از راه صحرای عربستان به نجف رفته و پس از زیارت شهرهای مذهبی عازم ایران می‌شود.

۴.۴ حج همسر عمادالملک^۴ (۱۳۰۳.ق-۱۳۰۴.ق)

این سفرنامه، شرح سفر شاهزاده خانم قجری بدون ذکر نام نویسنده، و با معرفی نسبی به پدر؛ مبارک میرزا و همسرش؛ عمادالملک است. او با آگاهی از خطرات سفر بدون همسر، اذن سفر کرده و حتی به عنوان سرپرست کاروان، چند زن دیگر از جمله مادر، حاجیه آقا، بی بی فاطمه، دولت و فیروزه را نیز به همراه خود می‌برد. مسیر شاهزاده خانم از حاشیه کویر طبس آغاز و قبل از رفتن به مکه به قم برای دیدار با خانواده رفته، سپس به بوشهر عزیمت کرده و سپس با کشتی به جده می‌رسد، در راه بازگشت به عتبات عالیات و کربلا می‌رود. و زمینی به خانه باز می‌گردد در مسیر بازگشت دوباره به قم؛ خانه پدری رفته که متوجه مرگ پدرش می‌شود.

۵.۴ سفرنامه بی بی خانم شادلو^۵ (۱۳۱۹.ق.)

خاور بی بی شادلو، خواهر سهام الدوله از خوانین بجنورد و از مرزداران شمال غرب خراسان است. این سفرنامه؛ شرح سفر کاروان عروسی به نظارت خاور بی بی خانم به جهت بردن عروس به تهران و آوردن عروسی دیگر به بجنورد است. اما متأسفانه این خاطرات نیمه رها شده است، که به عقیده مصحح به دلیل اطلاع نویسنده، از مرگ برادر خود، سهام الدوله است.

۵. یافته‌های پژوهش

۱.۵ روایت فضا از نگاه حاجیه مهرماه عصمت السلطنه

مهرماه خانم، مسیر زمینی دشواری را آغاز می‌کند و قبل از رفتن به مکه به عتبات عالیات و کربلا می‌رود. در راه بازگشت از جده، قبل از بازگشت به تهران، با کشتی به مسقط و بوشهر می‌رود. سپس با الاغ و شتر راهی شیراز گشته و دو ماه و ده روز در آنجا می‌ماند. او قبل از بازگشت به تهران در نهم رجب به تخت جمشید، کاشان و قم سفر می‌کند. این سفر در مجموع ده ماه به طول می‌انجامد. ارتباط و خبرگرفتن او از همسر بیمارش توسط تلگراف از موارد جالب در این سفر است. ساختار سفرنامه، با معرفی منازل و بیان ویژگی مختصر از آن همراه است. در مورد اماکنی مانند، بیستون، تخت جمشید باغ فین یا حرم مدینه به شرح جزئیات می‌پردازد و از رویدادها می‌گوید. در جده با ورود به خانه‌ای به تفصیل از مبلمان هم نقلی می‌آورد و در بازدید از شهرهای تازه، مانند مکه، مدینه و جده شرحی همراه با ظرافت ارائه می‌دهد. روایت سفر او به جزئیات مسیر و غذاها و سایر امکانات موجود در سفر، می‌پردازد و سختی‌هایی را که او و دیگران متحمل می‌شوند به تفصیل توضیح می‌دهد.

سفرنامه مهرماه خانم، شرح سفر با معرفی مقاصد و منازل، در طی مسیر است، در معرفی مکان‌ها، متن همچون راهنمای سفر به دقت اسم مکان و ویژگی آب و هوایی و معیشتی آن را بیان می‌نماید. در خصوص فضای معماری مقدس، یادمانی و اماکنی که از نگاهش واجد ارزش است، به شرح عناصر، ساختار فضایی، تزئینات و حتی جزئیاتی مانند مبلمان و مصالح می‌پردازد. اما شرح فضای شهر به ابعاد، عناصر و ساختار فضایی بسنده نموده و جزئی نگر نیست و به بیان رخدادها بیشتر توجه می‌نماید. در مناسبات خاص، به شرح فعالیت‌های جاری در فضا اشاره نموده و در بیان مکان‌ها به خاطراتش رجوع کرده و شنیده‌های خود را نیز بیان می‌نماید.

۲.۵ روایت فضا از نگاه حاجیه خانم علویه

مندرجات این سفرنامه به لحاظ اطلاعات و توصیف منازل و مسیر چه از جهت تاریخی و جغرافیایی چندان غنی نیست. اما بازتاب دغدغه های بانویی در تلاش برای برقراری ارتباط با محیط پیرامون خود است و می‌توان به نحوه سلوک و برخورد زنان این قشر با مسائل پی برد (عطائی اتشانی، ۱۳۹۷: ۹۲).

«شرح قضایای هر منزل و فرسخ‌های آن‌ها و دهات و مزارعی که در راه‌ها دیده می‌شود، به‌طور روزانه بنویسم که هم کتابچه شود و هم یادگیری در این صفحه روزنامه بماند» (علویه کرمانی، ۱۳۸۶: ۷۰). روزنگار حاجیه خانم را می‌توان به دو قسمت تقسیم نمود در حضور خان مختصرگوست و از حضور خان گله دارد، که در حضورش راحت نمی‌تواند نقل کند: «و الله اگر فرصت این دو کلمه نوشتن را دارم. در حضور سرکار خان بایست هیچ کار نکرد و صامت نشست، مودب. البته رسم بزرگی همین است». و بعد از جدایی از خان به تفصیل و تشریح می‌پردازد و گاهی ریزین می‌شود و اگر سرکیف باشد تمام آنچه دیده به نقل می‌آورد.

سفرنامه علویه کرمانی، برخلاف دیگر سفرنامه‌ها به گفته نویسنده، برای گذران زمان و گذاشتن یادگاری در این روزگار است. صراحت لهجه‌ی بی‌نظیری دارد و هرچه که در ذهنش می‌گذرد آن را به قلم می‌آورد. در قید و بند معرفی تمام مکان‌ها نیست و هرچند ویژگی خاصی دارد و برایش جالب توجه است؛ از شرح سیستم آب رسانی دهلی تا باغ وحش ملکه انگلیس و تکیه دولت و اتفاقات اندرونی به تفصیل آن را بیان می‌نماید، صمیمی و خودمانی است و به واسطه حضور در دربار و شرح وقایع آن یک اثر ارزشمند از سبک و منش زندگی دربار ناصری ارائه می‌دهد.

۳.۵ روایت فضا از نگاه سکینه سلطان (وقارالدوله)

این حج‌نامه، به نقل از خود نویسنده، راهنمایی برای خانم‌هایی است که قصد سفر به مکه دارند: «این‌ها را نوشتم که یادم بماند برای دیگران تعریف کنم آن تکلیف را به آن‌ها بگویم» (وقارالدوله، ۱۳۹۸: ۷۰). تاریخ، مکان و هزینه سفر را منزل به منزل ذکر می‌نماید: «چه حالا چه بعد از من بدانند خرج سفر مکه معظمه چقدر می‌شود» (وقارالدوله، ۱۳۹۸: ۱۸۷). شرح مکان خیلی مختصر است و به نظر می‌رسد شان اجتماعی مانع تفسیر او می‌گردد: «یک کلام

بازنمایی فضای شهر و معماری در خاطرات ... (الناز امیرزاده دانا و مریم ارمغان) ۱۳

بنویسم، همچو حمامی ندیده بودم. عقلا می‌دانند که چشم من خیلی چیزها دیده پس این حمام خوب بوده که به وصف نمی‌آید» (وقارالدوله، ۱۳۹۸: ۸۳).

سفرنامه وقارالدوله دارای نثر ساده و نزدیک به زبان محاوره است گله می‌کند و آنرا در متن نیز بازگو می‌نماید، گاهی نوشته‌اش به گپ و گفت خومانی تبدیل می‌شود: «من خودم یک نفری دیشب بی شریک قبله نما را گم کردم. ماشالله چشم نخوریم هر منزلی یک کدام، یک چیزی گم کنیم گویا تا کربلا، دیگر چیزی نداشته باشیم» (وقارالدوله، ۹۸: ۴۵). شعرسرای و استفاده از جملات ادبی در خلال سفرنامه، یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد این سفرنامه است. در این سفرنامه، شرح فضاهای معماری مختصر است و به قول خودش فضا چه باشد که او نقلی از آن بیاورد. ولی همان مختصر را نیز به تفصیل بیان می‌نماید. در شرح معماری، مکان مقدس و حمامی شاخص؛ عناصر، ابعاد و تناسبات، ساختار فضایی و تزئینات را به همراه رخدادهای فضایی و بیان روزمرگی به تفصیل بیان می‌نماید. و در بیان شهر نیز مختصر بیان نموده و به ابعاد و ساختار بسنده می‌نماید. ویژگی شاخص این سفرنامه، ارجاع به خاطرات گذشته است؛ کوهی به دوشان تپه می‌ماتد و راهی، شبیه راه لار است.

۴.۵ روایت فضا از نگاه همسر عمادالملک

این سفرنامه، شرح سفر شاهزاده خانم قجری بدون ذکر نام نویسنده، و با معرفی نسبش به پدر؛ مبارک میرزا و همسرش؛ عمادالملک؛ با تحلیل شجره نسب پدرش به فتحعلی شاه و مادرش نیز نوه نادرشاه افشار است، روایت سفر سال ۱۳۰۳ هجری قمری از طبرس به مکه و بازگشت به ایران است. «پدر والاگهرم نواب شاهزاده مبارک میرزا پسر نواب قمر رکاب شاهزاده محمود میرزا ابن مرحوم فتحعلی شاه خاقان مغفور و مبرور از طرف والده نوه ناصر الله میرزا ولی نعمت پسر شاهرخ شاه نوه نادرشاه اند...». این سفرنامه گزارشی دقیق از وقایع سفر است، که به صورت روزانه به نگارش درآمده است. نویسنده، زنی است اهل ادب و شعر و بسیاری از احادیث و روایات دینی را می‌داند و از ضرب‌المثل‌ها و اشعار به درستی و با دقت استفاده می‌کند.

خاطرات همسر عمادالملک به سبب تزیینی نویسنده، با آن‌که نصر ساده‌ای دارد، از احادیث، ضرب‌المثل‌ها و اشعار به جا و درست استفاده شده، که می‌تواند نشان از کمال و ادب نویسنده خود داشته باشد. شرح دقیقی از کالبد معماری و شهر شامل ابعاد و تناسبات، عناصر و

ساختار فضایی و مبلمان و تزئینات همراه با شرح رویدادهای جاری در فضا، دلالت‌ها و بیان اتمسفر فضا دارد و کاملاً گویا و واضح شرح شهر و معماری را ارائه می‌نماید.

۵.۵ روایت فضا از نگاه بی‌بی شادلو

برخلاف سفرنامه‌های دیگر این سفرنامه شرح سفر مکه نیست و شرح سفر خاور بی‌بی‌خانم به جهت بردن ترکان بی‌بی شادلو به عنوان عروس برای همسری علی‌اکبرسیف افشار (سیف السلطنه) پسر آجودان‌باشی کل؛ یعنی حسن خان افشار از بجنورد با کالسکه به تهران و آوردن مهرتاج افشار (مهرالسلطنه) برای همسری عزیزالله خان شادلو (سردار معزز) به بجنورد است. «حیاط به این کوچکی، جمعیت زیاد، عروس آوردن، دختر دادن، عروس زاییدن تماشای عجیبی دارد» (بی‌بی‌خاور شادلو، ۱۳۷۴: ۲۰۱). او یک بانوی ایلپاتی کرد که اهل مطالعه است و در خاطراتش می‌توان شاهد این مدعا بود: «طرف دست راست کوه سیاه و بلندی بود. مثل قلعه «دیف کنت» چشم آدم که می‌افتاد وحشت می‌کرد». اشاره به زندان ایف واقع در نزدیکی بندر ماری در دریای مدیترانه که در داستان کنت مونت کریستو؛ جز اولین کتابهای ترجمه شده در ایران، به آن اشاره شده است. این خاطرات اما متأسفانه نیمه رها شده است؛ مصحح بر این عقیده است، به دلیل مصادف شدن فوت یارمحمد خان سردار مفخم با تاریخ این سفرنامه، نویسنده با مطلع شدن مرگ برادر، از نوشتن ادامه خاطرات منصرف شده است. آشنایی با ادبیات داستانی فرنگی و شرح دقیق، بی‌نقص و با جزئیات از مکانهای شهری، از ویژگی‌های این اثر است. در مورد بی‌بی شادلو می‌توان گفت به واسطه مطالعات کتاب‌های داستانی، سعی در بازنمایی فضای داستانی در خاطرات خود دارد، شرح و جزئیات دقیقی از مکان‌ها می‌دهد، که در خاطرات دیگر کم‌نظیر است، بسیار ریزبین است و در شرح اماکن به کوچک‌ترین جزئیات نیز می‌پردازد.

۶. تحلیل مضامین

بعد از خوانش متن سفرنامه‌ها، در شرح زنان سفرنامه نویسنده از شهر و معماری، بعد از تفکیک تفسیر و تعبیر شهر و معماری به طور کلی در چهار محور کلی کالبد، رویداد، دلالت‌ها و ذهنیات چندین مضمون حاصل شد که طیفی از کیفیت‌های عینی تا روح و اتمسفر حاکم بر فضا و مفاهیم ذهنی را شامل می‌شود:

۱. محور ویژگی کالبدی؛ شامل شرح کیفیت مکان؛ عناصر، ابعاد و تناسبات، ساختار فضایی، تزئینات، مبلمان و مصالح است که طیفی از کلیات تا جزئیات، از دکان و بازار و قلعه و قصر و خیابان، چینش و ابعاد آنها در شهر را برگرفته و در معماری، ایوان، گلدسته، حیاط و حوض خانه، فرم و ارتباط آنها تا تزئینات و مبلمان فضا را شامل می‌شود.

عصمت السلطنه در توصیف دهی می‌گوید: «بیوران ده بزرگ و پرجمعیتی است. سه از شب گذشته، به قاعده شهر، شیپور کشیدند. از دو طرف قلعه و عمارت بود. این دهات آباد است. دکان، بازار همه چیز دارد (عصمت السلطنه، ۶۲). بی بی شادلو با اشاره به مکان خاص در شهر، از ابعاد آن و کیفیت حیات آن با تعبیر «آباد» صحبت می‌نماید: «قلعه‌اش خیلی بزرگ و آباد است. کوچه‌ها بسیار وسیع» (شادلو، ۱۸۹). یکی از نشان‌های عمران و آبادی دسترسی آسان به آب است و وقار، سعی می‌نماید ساختار شهری که پیش رویش قرار دارد را از کلیاتی مانند مکان دکان‌ها تا جزئیاتی مانند تعداد شیر و کیفیت ریزش آب، بیان نماید: «دو طرف این جاده خانه ساخته‌اند. دکاکن زیاد دو طرف جاده است. بعضی جاها زیر دکان‌ها جای آب قرار داده‌اند. که یک دفعه آب مثل حوض درازی ساخته‌اند و دیوارش را پانزده شانزده شیر قرار داده‌اند که یک دفعه آب مثل ناودان بیرون می‌ریزد (وقارالدوله، ۸۶). علویه نیز از سیستم آبرسانی هند شگفت‌زده می‌شود: «لوله‌های آهن کار گذارده‌اند و سر آنها شیر دارد، می‌پیچاند، آب می‌آید. خیلی صنعت بزرگی است. که این آب البته سی چهل هزار جا بلکه متجاوز بیرون می‌آید. حکایت غریب است، به تعریف درست نمی‌آید.» (علویه کرمانی، ۵۵). عصمت السلطنه نیز با شرح کاملی از باغ فین؛ از ساختار فضایی تا مصالح و تزئینات، تصویر کاملی از آن را پیش‌روی مخاطب می‌گذارد:

اما فین اصل حوضخانه بزرگ که مرتبه‌های بالا را تخته‌بندی کرده‌اند، از بناهای «شاه صفی» است. بسیار خوب هم هست. کوره آب از کف حوضخانه می‌جوشد. هزاره‌ها سنگ مرمر است. سقف چهار طرف به باغ نگاه می‌کند. بالای حوضخانه را تخته‌بندی سه مرتبه کرده‌اند. آن بالا جای باصفای بسیار خوبی است. در طرف دیگر باغ هم باز حوضخانه دیگری است که مرحوم خاقان خلدآشیان ساخته است و تصویرهای شاهزادگان و خود خاقان جنت مکان را در آنجا نقش کرده‌اند. جلو تالار دیگر حوضی ساخته‌اند که معروف به «چل چشمه» است. کف حوض کاشی است (عصمت السلطنه، ۱۱۳-۱۱۴).

در جای دیگر عصمت با بیان عناصری مانند گلدسته و منار به شرح مبلمان فضای مقدس می‌پردازد و حتی به تعداد و جزئیات تزئینات، اشاره می‌نماید:

تمام گلدسته‌ها را چراغان کرده بودند. از کوچه بسیار باشکوه به نظر می‌آمد. آن گلدسته‌هایی که چراغان کرده بودند، سه طبقه است، هشت مناره دارد که هر طبقه البته به قدر دویست چراغ می‌سوزد. در حرم مبارک هم چراغ زیاد بود (عصمت السلطنه، ۸۱).

علویه نیز با جزئیات تمام مبلمان دیوانخانه ناصری از کیفیت و جنس ظروف تا تخت طاووس، را شرح می‌دهد:

اسباب‌های آن که خوب، جوارهای خوب، که هرچه بگویم کم. تسبیح‌های مروارید به قدر فندق و نخود درشت، تسبیح‌ها زمرد به قدر عناب‌ها درشت، از جواهر چه بگویم چه نویسم. از ظرف‌های قدیم، از چینی و بلور، گلدان‌های جفتی پانصد تومان. پرده‌های ده یک گلابتون دوزی کار هندوستان، فرش‌های ده یک، تخت طاووس، که وقت سلام شاه می‌نشیند... (علویه کرمانی، ۱۳۷).

در این بخش عناصر متعددی چون وسعت فضا، شکوه بنا و تعداد طبقات آن، میزان نور و نوع نورپردازی، در دسترس بودن آب، فضای سبز همراه با تجمل اثاثیه مضامینی هستند که زنان سفرنامه نویس بر آن تاکید دارند.

۲. محور رویدادها؛ رویدادها، اتفاقات جاری در فضا است که راوی، گاهی درکنار شرح مکان، به بیان فعالیت‌های روزمره مانند خرید و فروش در بازار یا عبادت در مکان مذهبی می‌پردازد که به واسطه حضور در مکان و جذابیت آن، سعی در شرح اتفاقات جاری، برای شرح جامع‌تر از مکان دارد. برای مثال در شرح حاجیه خانم از بازار هند می‌خوانیم «تمام بازار زن‌های هندو نشسته‌اند، میوه می‌فروشند... بسیار متعفن، میگوی سرخ کرده...» (علویه کرمانی، ۵۲). یا همسر عمادالملک برای شرح بهتر شهر به تفسیر از رخدادهای پیش رویش می‌پردازد:

به هر دو شهر تا چشم کار می‌کند کشیده، همه درها به آب. دو سه طبقه نگاه می‌کنید، همه درها را چراغ آویزان کرده‌اند. چراغ‌های کشتی‌ها را هم روشن کرده‌اند. هر چراغی در آب هزار چراغ می‌نماید حقیقت لذت دارد. باغ‌ها در بلندی ساخته‌اند. کوزه‌های گل دم اتاق‌ها چیده‌اند که بیننده را حیران می‌کند (همسر عمادالملک، ۸۱).

و یا وقار می‌گوید:

این شهر موزیکان بسیار خوب می‌زنند این شهر را می‌گویند از همه شهرهای صفحات، بلکه از شهر شام هم بزرگتر معتبرتر است و بازارهای خوب و عمارت دولتی بسیار خوب دارد. به قدر ده هزار خانوار که هریک مثل قصر شاه می‌ماند، پیدا بود. شب تا ساعت یک

بازنمایی فضای شهر و معماری در خاطرات ... (الناز امیرزاده دانا و مریم ارمغان) ۱۷

صدای موزیک می‌آید. بعد از آن تا پنج ساعتی شب صدای خواننده‌های تماشاخانه می‌آید (وقارالدوله، ۱۳۹۸: ۹۰).

رویداد گاهی بواسطه حضور راوی، رخ می‌دهد، مانند برگزاری مراسم در روزهای خاص مانند تعبیر بی‌بی‌خاور از مراسم عروسی: «دسته موزیک‌چیها آمدند میان حیاط زدند. همه با لباس قشنگ و یراق دوز. کلاهشان جور طاس کلاه بود. گفتند دسته پسر ولیعهد است» و یا تعبیر علویه از مراسم شهادت امام رضا: «چون قتل امام رضا(ع) است، عرب‌های کربلایی، عرب‌های نجفی، عرب‌های کاظمینی، دسته دسته شده بودند. هر دسته چند بیدق داشتند، دور صحن توی حرم سینه می‌زدند (علویه کرمانی، ۸۷) و یا اشاره عصمت به مراسم عاشورا: «عربها به قول خودشان، هویسه می‌کردند، کیل می‌کشیدند. با وجودی که امشب شب عاشورا است، هیچ شایسته این ساز نبود (عصمت السلطنه، ۸۰). رویداد دیگر که راویان به آن توجه دارند، ازدحام حاصل از حضور افراد است که عرصه برای راوی، تنگ می‌شود مثلاً مهرماه خانم می‌نویسد: «و از جمعیت خدمه و گدایان چه بگویم که از حد تحریر بیرون است» (عصمت السلطنه، ۶۸-۶۹) و یا همسر عمادالملک می‌گوید: «مسجد جای پا نیست. زوار زیاد برای زیارت مبعث آمده، جا نداشتیم، رفتیم پرده کشیدیم» (همسر عمادالملک، ۱۱۰)، که در هردو روایت، راوی با اشاره به فعالیت‌های جاری به ازدحام مکان اشاره دارد.

بنابراین در محور رویدادها؛ جاذبه مکان، ازدحام و شرح مراسمات، مضامینی می‌باشد که سفرنامه‌نویسان بر آن اشاره دارند.

۳. محور دلالت‌ها؛ برداشت‌های ذهنی راوی، بواسطه تجربه، شنیدنی‌ها و دیدنی‌های اوست و شامل دلالت‌های فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی است.

۱.۳ دلالت جغرافیایی؛ معرفی تمام اماکن و منازل است که در متن سفرنامه‌ها به دقت با بیان جزئیاتی مانند ویژگی آب و هوایی و معیشتی، به آن اشاره شده است و هدف راوی از نگارش سفرنامه، معرفی دقیق آن، برای آشنایی و دادن نقشه راه به زنان دیگر است. «اردستان بسیار پرآب و درخت از محال اصفهان است» (همسر عمادالملک، ۳۳). «اینجا شهری است آباد، دروازه و حصاربندی دارد. این چند منزل همه کوچه‌ها سنگ فرش، میان کوچه‌ها خوب ساختند که آب برد. زمین کرمانشاه و این منزل‌ها خیلی پست بلند است» (علویه کرمانی، ۱۱۰). «جیروده خوب ده بزرگ و پر اشجاری است. نان بسیار خوب دارد» (وقارالدوله، ۲۸).

۲.۳ دلالت تاریخی؛ نسبت داشتن مکان به رخداد تاریخی مانند اماکن یادمانی یا حضور مقبره فردی در بنایی خاص و شنیده‌هایی از داستان تاریخ یک شهر، را شامل می‌شود مانند تعبیر وقار از قرارگیری قبر درویش: «باغی را به جهت ما خالی کرده بود که مال درویش است و قبر خود درویش هم در میان باغ است» (عصمت السلطنه، ۶۷) یا تعبیر همسر عمادالملک از داستان مکانی که در آن نشسته؛ «گویا رضاقلی خان کلهر میان صحرا یک عمارتی بنا کرده که خیلی نقل دارد. همه عمارت فرنگی ساز، درهای آینه بزرگ، تمام آجر تراش، درهای فلکی. خیلی کم هم چه عمارتی ساخته می‌شود؟ به خصوص در هم چه جایی به هر طرف که نظر می‌کنی بیابان است، ولی حالا زوار گذر است. الان که من روزنامه می‌نویسم در اطافی نشسته‌ام که قابل نشستن سلاطین است. چه فایده صاحب ندارد می‌گوید مرد ظالمی بوده است» (همسر عمادالملک، ۴۵). «آن جا موسوم به مقام علی است. سبب تسمیه‌اش این است که گویا جنگ جمل حضرت امیرالمومنین آن جا اتفاق افتاده» (همسر عمادالملک، ۶۱). یا علویه قصه شهر سامرا را بازگو می‌نماید: «از قرار ظاهره سامرا ابدآبادی نداشته. الان بیست سال است جناب میرزا منزل کردند، آبادی شده، شهری، حصاری پیدا کرده» (علویه کرمانی، ۹۵).

۳.۳ دلالت‌های فرهنگی؛ اختصاص ویژگی‌هایی منبعث از سنت، باور عموم نسبت به مکان خاص، مثل اختصاص فضای خاص به زنان، یا بازدید از اماکن فرهنگی مثل تعبیر عصمت السلطنه از بیستون و تخت جمشید:

عجب اشتهاری این کوه بیستون دارد که گفته‌اند بیستون را عشق کند و شهرتش فرهاد برد. فرهاد چه کرده است، معلوم می‌شود در قدیم حجاری نبوده و او این تخته سنگ را صیقل زده، لهذا این همه شهرت کرده. یا این که به نظر الوار جلوه کرده است. بی سبب شهرت داده؛ لذا اگر حجاریهای تخت جمشید را ببینند که سنگ را به قسمی صیقل زده‌اند که مثل آینه براق است، چو می‌گفتند؟ (عصمت السلطنه، ۶۳)

و یا بازدید علویه از مظاهر تمدن جدید:

یک روز رفتیم در باغ ملکه اتگلیس. نمی‌دانم بنویسم چقدر بزرگ بود. درخت‌ها جور به جور که ما یک کدام را ندیده بودیم. گل‌های رنگ به رنگ، ولی هیچکدام بو نمی‌داد. دیگر گل رازقی و یگ گل زردی دیگر بود. ولی از برگ‌ها چه نویسم... قفس‌های بزرگ ساخته‌اند به جهت حیوان‌ها... رفتیم در آنتیکه اول آنچه حیوان و مرف و ماهی تا حتی

بازنمایی فضای شهر و معماری در خاطرات ... (الناز امیرزاده دانا و مریم ارمغان) ۱۹

گاو میش و مار همه مرده، روغن زده بودند، در صندوق‌های آینه گذارده بودند
(علویه کرمانی، ۵۳).

که فارغ از زیارت صورت می‌گیرد.

تفکیک جنسیتی فضا بخشی از تجربه زیسته زنان است؛ وقارالدوله بنا به جایگاه اجتماعی خود، در توصیف مکان‌ها محتاط است اما نسبت به نابرابری‌ها بارها اعتراض می‌نماید: «حیف؛ هزار حیف که من کجاوه نشستم و اسب ندارم که به اختیار خود کنار آب راه بروم صفای اینجا نمی‌فهمم چون توی کجاوه هستم (وقارالدوله، ۶۹)، یا در جایی دیگر با طعنه می‌گوید: «آن قدر توی اتاق بودیم تا نایب عزیزخان آمد تجیر دور اتاق کشید آن وقت خلق آقا به جای آمد» (وقارالدوله، ۱۸۱) بنابراین برخلاف زنان دیگر به راحتی از فضاهای جنسیتی مانند، حیاط اندرونی و بیرونی سخن می‌گوید. علویه نیز با حضور خان دچار چالش است در جایی می‌گوید

صبحی مشرف شدم به حرم، از آنجا توی بازار، یعنی همان در صحن. من والله این جاهایی که رفتم، اگر کوچه و بازار آن ولایت را دیدم. به روضات مطهره هم بی‌اذن سرکار حاجی خان می‌رفتم و الا راضی نبودند من به زیارت بروم. همین که آدم‌هایش را نگذارند بروند، بنده را هم میل نداشت بروم. ولی زیارت را من می‌رفتم، اعتنایی نداشتیم (علویه کرمانی، ۵۵)

یا جایی می‌گوید: «از روزی که از خدمت خان مرخص شدم، الحمدالله همه چیز و همه جا را دیدم و خوردم. الحمدالله آسوده شدم» (علویه کرمانی، ۷۵). بی‌بی خاور؛ برخلاف وقار، خواهان تفکیک فضاست و از ملاقات با مردان امتناع می‌ورزد و در ورود وزیر نظام از دیدن او امتناع می‌نماید

چرا باید از من بگریزند. ما هم آنچه باید عرض می‌کردیم گفتیم. بعد گفتند نمی‌شود، من به دیدن خانم بزرگ همشیره خودم آمده‌ام. من و حضرت سردار تفاوت نداریم. یقین می‌دانم که حضرت سردار رضا نیستند که شما از من رو می‌گیرید (شادلو، ۱۳۷۴، ۲۰۰).

در محور دلالت‌ها، شرح هر منزل، قصه مکان، بازدید اماکن فرهنگی و تفکیک جنسیتی شاخصه اصلی را در شرح راویان تشکیل می‌دهد.

۴. محور ذهنیات؛ آخرین برداشت از مکان، کیفیتی کاملاً ذهنی دارد و اثری که مکان، بر روح و جان راوی گذاشته را بیان می‌نماید که این مورد نیز، ویژگی مشترک روایت‌های زنان

سفرنامه نویسنده است، فضایی که از آن ناراضی باشند، با تعبیری مانند صفایی ندارد بیان می‌شود و اگر مکان به دلشان بنشیند؛ با صفاست مانند روایت مهرماه خانم از مدینه: «عجب صحرای وسیع وارد شهر «مدینه منوره» شدیم. نزدیک حرم مبارک خانه مکیب که خطیب است منزل نموده، در بالاخانه که رو به باغ بود و کوه احد هم مقابل بود، سکنی گرفته، عجب صفا و هوای خوبی دارد مدینه! در حقیقت مثل بهشت است. این کوهها به حدی باشکوه است که هوش از سر آدم بیرون می‌برد (عصمت السلطنه، ۸۰). حتی گاهی در وصفش شعری می‌گویند و یا با تعبیر نیکی از آن یا می‌کنن مانند همسر عمادالملک: «منزل مان جوری بود که صبح که چشم می‌گشودم قبه حضرت امیر را می‌دیدم. روحی و فرحی برایم حاصل شد که تحریر نمی‌شود» (همسر عمادالملک، ۱۱۰). یا آن را به خاطرات خود پیوند می‌زنند. «آن روز لنگ شد تا عصر در باغی بودیم شبیه به باغات طبرس» (همسر عمادالملک، ۹۶). «روحی است. قریب بیست ده دیده شد. میان صحرا یک کوه کوچکی بود و اطرافش دهات پیدا بود و کوه‌های دور که چقدر آن کوه کوچک به دوشان تپه می‌ماند و این دهات به باغ‌های آن‌جا و کوه‌های دور به کوه قصر فیروزه و کوه سه‌پای (وقارالدوله، ۳۱). «باغ بسیار بزرگی است. آب جوب از وسط باغ می‌گذارد. مثل جوب عمارت خودمان» (شادلو، ۱۹۹).

در محور ذهنیات، خاطرات و صفای فضا (روح مکان) شاخصه اصلی را در شرح راویان تشکیل می‌دهد.

حال با این تفاسیر، به طور کلی، مضامین هر سفرنامه دارای ویژگی‌های زیر است.



نمودار ۱. مضامین مستخرج از متون سفرنامه‌های زنان قاجار

ماخذ: نگارندگان

بازنمایی فضای شهر و معماری در خاطرات ... (الناز امیرزاده دانا و مریم ارمغان) ۲۱

جدول ۱. مضامین مستخرج از متن سفرنامه‌ها در ارتباط با فضای شهر و معماری

محوورها	مضامین	عصمت السلطنه	علویه کرمانی	وقارالدوله	همسر عمادالملک	خاور بی‌بی
کابل	شکوه و وسعت بنا	*	*	*	*	*
	کیفیت نورپردازی	*	*	*	*	*
	فضای سبز	*	*	*	*	*
	دسترسی به آب جاری	*	*	*	*	*
	تجمل و اثاثیه گرانها	*	*	*	*	*
رویداد	ازدحام	*	*	*	*	*
	مراسم	*	*	*	*	*
	جاذبه مکان	*	*	*	*	*
دولت‌ها	معرفی منزل	*	*	*	*	جغرافیایی
	قصه مکان	*	*	*	*	تاریخی
	تفکیک جنسیتی	*	*	*	*	فرهنگی
	بازدید فرهنگی	*	*	*	*	
ذهنیات	خاطرات	*	*	*	*	
	صفای فضا	*	*	*	*	

ماخذ: نگارندگان

۷. نتیجه‌گیری

یکی از راه‌های شناخت ادوار تاریخ، خوانش آن در متن خاطرات به جای مانده از آن دوران است، که حاوی اطلاعاتی در باب سبک زندگی، آداب و رسوم، باورها و منش افراد است. خاطرات زنان قاجار از اولین نمونه‌های خاطره‌نویسی زنان است. دوران قاجار به واسطه ارتباطات با دنیای غرب، حضور زنان خارجی در حرم‌ها، ترجمه کتاب‌های اروپایی؛ همان‌گونه که در خاطرات بی‌بی شادلو عنوان گردید، و برای زنان دوران گذار از پستوی خانه است، زنانی که همیشه در تاریخ حضور دارند ولی حضورشان پنهان و محدود به خانه و حرمسرا است. آن‌ها به واسطه مراودات با زنان اروپایی، خواندن کتاب یا داستان، ایده تغییر شرایط زندگی خود را جالب یافتند.

در تحلیل متون سفرنامه‌ها، ویژگی مشترک زنانی که درجه بالایی نداشتند معرفی خود به نسب، بدون ذکر نام خود است که این مورد در ارتباط با زنان با نفوذی مثل بی‌بی خاور یا وقارالدوله؛ که دارای جایگاه بالای اجتماعی هستند، صدق نمی‌کند، البته این اصالت برای وقارالدوله مانع بیان جزئیات می‌گردد و در مقابل آن فردی چون عالیه خانم شیرازی؛ که دارای جایگاه اجتماعی پایین‌تری است، بدون پروا هرچه می‌بیند و می‌شنود را با جزئیات تمام، شرح می‌دهد. بنابراین دو عامل شان اجتماعی و شخصیت راوی دو عامل فردی مهم در کیفیت شرح رویدادهاست. از سویی مخاطب اثر نیز در کیفیت شرح عامل تعیین‌کننده می‌باشد بی‌بی خاور و علویه خاطره نویس هستند و اثرشان مخاطب عام ندارد بر خلاف آن‌ها، وقار، همسر عمادالملک و عصمت السلطنه که هدف نوشته‌شان خوانش در محافل زنان و دادن نقشه راه به آن‌ها است.

در شرح شهر و معماری در متون سفرنامه‌ها، چهار محور کلی کالبد، رویداد، دلالت‌ها و ذهنیات با طیفی از کیفیت‌های ملموس و عینی تا روح و اتمسفر حاکم بر فضا برداشت گردید و با توجه به تحلیل متون در این محورها، مضامین ذیل قابل تشخیص می‌باشد. در حوزه کالبد؛ شکوه و وسعت بنا، کیفیت نورپردازی، فضای سبز، دسترسی به آب جاری، تجمل و اثاثیه گرانبها در حوزه رویداد؛ ازدحام، مراسم، جاذبه و کشش مکان، در حوزه دلالت‌ها که خود در سه بخش فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی دسته‌بندی می‌شود؛ شرح و معرفی منازل، اماکن واجد ارزش؛ فارغ از هدف اصلی مانند زیارت، تفکیک جنسیتی و قصه مکان و در حوزه ذهنیات؛ خاطرات و صفای مکان مضامین اصلی مورد اشاره زنان سفرنامه نویس است.

بنابراین آنها در شرح شهر به جزئیاتی مانند قصه شهر و بداعت مکان توجه نموده و آن را با خاطرات خود پیوند می‌زنند تا شرحی غنی‌تر ارائه دهند. در عین حال به کیفیت فضای سبز و دسترسی به آب جاری نیز اشاره نموده تا پاسخی به دغدغه خود و زنان مخاطب متون خویش را فراهم آورند. همچنین در شرح معماری؛ با توجه به جایگاه اجتماعی خویش، به شکوه و عظمت بنا، کیفیت نورپردازی، تجمل و اثاثیه گرانبها توجه نموده و سعی در بیان جزئیات دارند و به گونه‌ای آنها سعی می‌کنند، تا تصویری کامل، از آنچه پیش چشمشان اتفاق می‌افتد برا مخاطبانشان به ارمغان آورند تا آنها نیز با شناخت بیشتر مهیا این سفر شوند. یکی از نقاط برجسته در این سفرنامه‌ها اشاره آنها به مسایل و مشکلات پیش روی زنان است و با گله‌کردن به آن می‌پردازند.

حال پاسخ به سوالات پژوهش؛ زنان از پس رو بنده چگونه فضا را معنی و تجربه می کردند؟ آیا فضای شهر برای آنها پررنگ تر است یا فضای معماری؟ طبق نتایج به دست آمده شخصیت و روحیات زنان در این امر، تعیین کننده است. همه زنان سفرنامه نویس، با وجود موانع سعی در بازنمایی کامل فضاهای شهر و معماری داشتند. تصویر معماری فضاهای یادمانی و خاص؛ برای مهرماه خانم، وقارالدوله و همسر عمادالملک و مکان های تازه برای علوی کرمانی و بی بی خاور، با بیان جزئیات همراه است. فضای شهر نیز برای آن ها واجد ارزش است و آنچه برایشان تازگی دارد با تمام جزئیات بیان می شود، البته شخصیت راوی در کیفیت پرداخت، به جزئیات نقش اساسی دارد. مهرماه خانم کمتر از شهر نقل می آورد، وقارالدوله مسحور مدینه و مکه و علویه مبهوت بمبئی است و همسر عمادالملک، از شهرهای کنار شط نقل ها می گوید. بنابراین گویی رو بنده در درک فضایی آن ها بی رنگ است و در جاهایی که کنجکاویشان تحریک می شود شرح کاملی از فضاهای شهر و معماری، رخدادهای جاری در فضا، روزمرگی ارائه داده و شرحشان را با بیان دلالت ها تکمیل و با ذهنیات کلمات را می آریند.

فضاهای معماری و شهر در سفرنامه ها زنان عصر قاجار از چه جنبه هایی بازنمایی شده است؟ بر اساس تحلیل متون، چهار محور اصلی به دست می آید. اول کالبد؛ که ویژگی های عینی و فیزیکی محیط است، که در شهر، شامل؛ عناصر شهری، ساختار عناصر، ابعاد و تناسبات، تزیینات، مصالح و رنگ است. در معماری؛ عناصری مثل حوض، ایوان، ساختار عناصر، ابعاد و تناسبات، مصالح و رنگ و در نهایت مبلمان و اشیا موجود در مکان می باشد که در هر دو مورد، نسبت به نوع برخورد با مکان، از کلیات تا جزئیات را شامل می شود و طبق تحلیل مضمون صورت گرفته شکوه و وسعت بنا، نورپردازی، فضای سبز، دسترسی به آب جاری، تجمل و اثاثیه گرانبها از مضامین اصلی متون سفرنامه زنان قاجار است. به نظر می رسد میزان آبادی و عظمت مکان ها برای آنها مهم است و در کنار آن خرابی نیز به چشم می آید.

محور بعدی رویدادها می باشد، که راوی در برخورد با محیط از افراد، ارتباطات و رخدادهای صحبت می نماید در این محور سه مضمون کلی قابل تشخیص است اول ازدحام و شلوغی محیط که راوی در برخورد با آن راه گله را برمی گزیند دوم برگزاری مراسمات مثل عزاداری، عروسی یا سنت خاص و مضمون آخر که معلول مکان است جاذبه آن مکان می باشد که راوی در مقابل مکانهای تازه و خاص لب به سخن گشوده و سعی در شرح همه جانبه دیده و شنیده هایش دارد تا تصویر کاملی پیش روی مخاطبش بگذارد. محور بعدی دلالت هاست که بر

سه نوع است دلالت‌های جغرافیایی؛ مکان و جغرافیای منازلی است که زوار در مسیر سفر، با آن برخورد می‌نمایند، در این مضمون زوار با وسواسی خاص به اعلام تمامی منازل با پرداختن به جزئیاتی مانند خوراک، آب و هوا و ویژگی مردمان هر منزل اشاره می‌نمایند. دلالت تاریخی؛ شرح داستان هر مکان است و دلالت فرهنگی؛ فرهنگ و باور جاری در مکان، که گاهی اختصاص فضایی خاص به خان‌ها اشاره کرده و گاهی به واسطه حضور در مکان با ارزش به آن پرداخته می‌شود بنابراین معرفی منزل، تفکیک جنسیتی، قصه مکان و شرح مکان فرهنگی مضامین محور دلالت‌ها را می‌سازد. کلید واژه آخر کیفیت کاملاً ذهنی دارد و راوی به واسطه حضورش در مکان آن را تجربه می‌نماید این ویژگی نیز به شخصیت راوی وابستگی زیاد دارد، گاهی فرد به گفتن صفای مکان بسنده کرده، گاه در وصفش شعری می‌خواند و گاهی به خاطراتش رجوع کرده و مثلی به مکان مورد خطابش اطلاق می‌نماید پس خاطرات و صفای مکان دو مضمون محور ذهنیات را می‌سازند. این چهار محور؛ کالبد، رویداد، دلالت و ذهنیات، طیفی از عینیت تا ذهنیت را در بر گرفته و شخصیت، تجربه و جایگاه اجتماعی راوی در کیفیت بیان آن، نقش اساسی دارد. نکته قابل تامل در روایت‌ها، کیفیت تفسیر مکان‌های شهری است، در خوانش متون موانع دیده نمی‌شود و زنان سفرنامه‌نویس، در شرح مکان‌های شهری همان ظرافت بیان اماکن معماری را رعایت می‌نمایند البته شرحی از مبلمان موجود بیان نمی‌کنند.

درک زنان سفرنامه‌نویس عصر قاجار از سفر و مکان‌های جدید در عین رعایت تفکیک جنسیتی چه بوده است؟ همانگونه که عنوان گردید فراتر از موانع اجتماعی، شخصیت زنان در کیفیت بازنمایی فضاها تاثیر دارد فردی مانند مهرماه خانم، گلایه‌ای از شرایط ندارد و با خوانش متن نمی‌توان به موانع جنسیتی پی برد، فقط در جایی اشاره کوچکی به مسجد زنانه دارد و در حد همان اشاره باقی می‌ماند. همسر عمادالملک و بی‌بی خاور نیز با وجود اشاره کوچکی به تفکیک‌ها، گله‌ای از آن ندارند. حتی بی‌بی خاور بر آن تاکید دارد. برعکس بی‌بی خاور، علویه از اوضاع شاکی است و حضور خان‌را، همواره مانع سفر خود معرفی نموده و بعد از رفتن او بارها از عدم حضورش ابراز رضایت می‌نماید و وقارالدوله نیز با وجود داشتن مرتبه بالایی اجتماعی نیز گه‌گه از اوضاع گله می‌نماید. اما فصل مشترک تمام متون سفرنامه زنان، آن است که با خوانش متن آن‌ها جز یکی دو اشاره خاص هرگز موانع احساس نمی‌شود زیرا برای آنان عادی است و آن‌ها در نقل‌های خود کاملاً دقیق و آگاه عمل می‌نمایند و وظیفه خود به عنوان راهنمای سفر را به خوبی انجام می‌دهند.

پی‌نوشت‌ها

۱. سفرنامه حج مه‌ماه خانم، ابتدا به قلم آقای رسول جعفریان با عنوان "سفرنامه مکه دختر فرهاد میرزا" در فصلنامه میقات حج، شماره ۱۷ به چاپ رسید، سپس در شماره ۵۶ همین فصلنامه با تبارشناسی او با عنوان "مه‌ماه خانم عصمت السلطنه دختر فرهادمیرزا" به کوشش آقای دیانتی تجدید چاپ گردید.
۲. سفرنامه حاجیه خانم علویه کرمانی، با عنوان "روزنامه سفر حج عتبات عالیات و دربار ناصری" به کوشش رسول جعفریان در سال ۱۳۸۶ به چاپ رسید و در سال ۱۳۹۸ توسط نشر اطراف با عنوان "چادر کردیم رفتیم تماشا" به کوشش نازیلا ناظمی تجدید چاپ شد.
۳. حج نامه سکینه سلطان، با عنوان "سفرنامه سکینه سلطان (وقارالدوله)" در سال ۱۳۸۳ به تصحیح کیانوش کیانی توسط نشر تراوش قلم به چاپ رسید و در سال ۱۳۹۸ به تصحیح رسول جعفریان و کیانوش کیانی با ویرایش زهرا صالحی زاده، با عنوان "خانم فردا کوچ است" تجدید چاپ گردید.
۴. سفرنامه "همسر عمادالملک به مکه" به کوشش زهرا موسیند و نادر پروانه در سال ۱۳۹۸ توسط انتشارات مورخان در اختیار عموم قرار گرفت.
۵. سفرنامه بی‌بی‌خاور خانم شادلو در فصل چهارم کتاب "سفرنامه های سهام الدوله بجنوردی" به نویسندگی قدرت الله روشنی زعفرانلو در سال ۱۳۷۵ انتشار یافت.

کتاب‌نامه

- اتحادیه، منصوره (۱۳۷۳)، زن در جامعه قاجار؛ موقعیت اجتماعی زنان در آغاز قرن چهاردهم ه.ق، کلک پژوهش، ش ۵۵ و ۵۶، ص ۲۷-۵۰.
- اتحادیه، منصوره (۱۳۹۷)، اینجا طهران است مجموعه مقالاتی درباره طهران ۱۲۶۹ - ۱۳۴۴ ه.ق، چاپ سوم، تهران: نشر تاریخ ایران.
- اتحادیه، منصوره و فصیحی، سیمین و عامل رضایی، مریم (۱۳۸۷)، تاریخ نگاری زنان، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۱۲۷، ص ۲۴-۳۵.
- آزاده، شاهچراغی؛ بندرآباد، علیرضا (۱۳۹۴)، محاط در محیط: کاربرد روان‌شناسی محیطی در معماری و شهرسازی، تهران: سازمان جهاد دانشگاهی.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸)، سفرنامه پولاک «ایران و ایرانیان»، ترجمه کیکاووس جهاندار، سال دوم، تهران: نشر خوارزمی.
- حائری، محمدرضا (۱۳۸۸)، نقش فضا در معماری ایران: هفت گفتار درباره زبان و توان معماری، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

- حجازی، بنفشه (۱۳۸۸)، تاریخ خانم‌ها در دوره قاجار: بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر قاجار، چاپ اول، تهران: نشر قصیده سرا.
- دلریش، بشری (۱۳۷۵)، زن در دوره قاجار، تهران: موسسه انتشارات سوره.
- دنیاری، سکینه؛ علم، محمدرضا (۱۳۹۵)، بررسی وضعیت اجتماعی زنان در دوره قاجار با تکیه بر دیدگاه سفرنامه نویسان، فصلنامه جندی شاپور، دانشگاه چمران اهواز، س ۲، ش ۶، ص ۳۴-۵۷.
- زاهد، سید سعید؛ خواجه نوری، بیژن (۱۳۸۲)، بررسی و تحلیل اجمالی نقش اجتماعی زنان در تاریخ ایران، فرهنگ، ش ۴۸، ص ۵۱-۱۳۸.
- سکینه سلطان وقارالدوله (۱۳۸۹)، روزنامه سفر عتبات و مکه، به کوشش رسول جعفریان و کیانوش کیانی، قم: نشر مورخ.
- سهام الدوله، یارمحمدخان؛ بی‌بی شادلو (۱۳۷۴)، سفرنامه های سهام الوله بروجردی، به کوشش قدرت‌الله روشنی زعفرانلو، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- شریفی‌ساعی، محمدحسین؛ آزادارمکی، تقی (۱۴۰۰)، زنان در عصر پدرسالاری: روایت تاریخی از وضعیت اجتماعی و فرهنگی زنان در دوره قاجار، جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر، دوره ۳، شماره ۲، ص ۱۰۲-۱۲۲.
- عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید، فقیهی ابوالحسن؛ شیخ زاده، محمد (۱۳۹۰)، تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده های کیفی، اندیشه مدیریت راهبردی (اندیشه مدیریت)، دوره ۲(۵): ۱۵۱-۱۹۸.
- عباسی، سمیه؛ کامکار، افسانه (۱۳۹۵)، بررسی ساختار روایی سفرنامه های حج زنان عصر قاجار، اولین همایش حج در پویه تاریخ.
- علویه کرمانی، حاجیه خانم (۱۳۸۶)، روزنامه سفر حج عتبات عالیات و دربار ناصری، به کوشش رسول جعفریان، قم: نشر مورخ.
- غلامرضا، لطیفی؛ خاکساری‌رفسنجانی، علی؛ خانی، حسین (۱۳۹۴)، فضای شهری، حیات اجتماعی: (بستری در تحقق تعاملات اجتماعی)، تهران: نگارستان اندیشه.
- فصیحی، سیمین (۱۳۸۹)، از خلوت خانه تا عرصه اجتماع رویارویی زنان با «دوگانگی طبیعت و فرهنگ» از انقلاب مشروطیت تا پایان دوره قاجار، تاریخ اسلام و ایران، ش ۸، ص ۱۱۵-۱۳۸.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۳)، انسان‌شناسی شهری، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- کرپندوف، کلاوس (۱۳۸۶)، تحلیل محتوا، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
- ملک زاده، مهدی (۱۳۸۳)، تاریخ انقلاب مشروطیت، جلد اول تا سوم، تهران: انتشارات سخن.
- ملکوم، جان (۱۳۷۹)، تاریخ کامل ایران، ترجمه میرزا اسماعیل حیرت، تهران: نشر افسون.
- موسویان، سمیه؛ امین‌زاده گوهرریزی، بهناز؛ شاهچراغی، آزاده (۱۳۹۸)، تبیین مدل مفهومی مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری تجربه معماری، اندیشه معماری، دوره: ۳(۶)، ص ۵۹-۷۵.

بازنمایی فضای شهر و معماری در خاطرات ... (الناز امیرزاده دانا و مریم ارمغان) ۲۷

- نادری، سارا (۱۳۹۲)، درآمدی بر روایت زنانه از شهر، تهران: تیسرا.
- وقارالدوله (۱۳۹۹)، سه روز به آخر دریا، سفرنامه شاهزاده خانم قجری، به کوشش نازیلا ناظمی، تهران: نشر اطراف.
- ویلس، چارلز جیمز (۱۳۶۶)، تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه، ترجمه غلامحسین قراگزلو، تهران: اقبال.
- همسر عمادالملک (۱۳۹۸). سفرنامه همسر عمادالملک به مکه، به کوشش پروانه، نادر و موسیوند، زهرا، تهران: نشر مورخان.

Bharier, Julian (1971), *Economic Development in Iran 1900-1970*, London: Oxford University Press.

Braun, V. & Clarke, V (2006). Using thematic analysis in Psychology, *Qualitative Research in Psychology*, 3, 77-110.

McElrone, Susynne (2005), "Nineteenth-Century Qajar Women in the Public Sphere: An Alternative Historical and Historiographical Reading of the Roots of Iranian Women's Activism", *Comparative Studies of South Asia, Africa and the Middle East*, Vol. 25 (2): 297-317.

Mohaghegh Neyshabouri, Fasame (2020), *Resistance and Encroachment in Everyday Life: A Feminist Epistemological Study of Qajar Era Iranian Women's Travel Journals*, A thesis Department of Comparative Literature University of Alberta. <https://doi.org/10.7939/r3-9hjf-bv64>

Patton, M. Q. (1990), *Qualitative evaluation and research methods*, Thousand Oaks, CA: Sage.

Shireen Mahdavi (2007) *Amusements in Qajar Iran*, *Iranian Studies*, 40:4, 483-499,
DOI: 10.1080/00210860701476494

Shireen Mahdavi (2012): *Everyday Life in Late Qajar Iran*, *Iranian Studies*, 45:3, 355-370

Tschumi, Bernard (1994), 'Space and events', *The city cultures reader*, ed; Malcolm Miles, Tim Hall, London, Rutledge.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی